



19 اگست 2016

قاموس کبیر افغانستان

## سليمان لايق

اگر در افغانستان ده شاعر معاصر را ( به معیار شاعری و بدون به معنی وسیع کلمه ) در سطح بلند بشناسیم بدون شک یکی از جمله آنها سليمان لايق است.

لايق اگر شعرش را در خدمت اشخاص پايان تر از خود قربانی نمی کرد و یا همراهی و مداحی رژیم را که سبب بربادی کشور گردید اختیار نمی نمود با آن قریحه بلند شعری اش شاعر محبوب در جامعه جاودانه می ماند. بدبختانه که بسیاری از قلمداران پس منظر را درحالت حال دیده نمی توانند. ازینروست که دست به اعمال میزنند که باعث بد نامی ایشان در تاریخ میگردند. بطور مثال شاه شجاع ، استاد خلیل الله خلیلی و دیگران . این چنین اشخاص قریحه بلند شعری شانرا که یک موهبت خدا دادی است دست کم گرفته به خاطر طمع دنیایی به دنبال اشخاص رفتند که صدها مراتبه پايان تر از خود اوبوده اند . اینک قطع نظر از اعمال سليمان لايق بخاطر مرتبت بلند شاعری او درینجا از ایشان یاد آوری میکنیم. بخاطر شناخت شعر سليمان لايق لطفاً به یکی از مجموعه های شعری او بطور نمونه به کتاب (بادبان : مجموعه شعر / سليمان لايق "از انتشارات اکادمی علوم افغانستان دبیرمتمن زبان و ادب دری) مراجعه کنید و به صنعت شعری او را آشناشوید.



بقول شاعر گرامی پرتو نادری دقت کنید که در مورد سليمان لايق چنین می فرمایند: " این چند نکته را از آن جهت گفتیم که امروزه شخصیت سیاسی و ایدئولوژیک سليمان لايق برابعد شخصیت فرهنگی او سایه سنگینی افکنده است. شاعری که عضویت حزب بزرگی را داشته، شعر و بینش او نسبت به زندگی و هستی، در سایه چنان حزبی رنگ گرفته و هم گام با زندگی اش فراز و فرودی داشته است. حزبی که دست کم پانزده سال حاکم بر مقدرات سیاسی و اجتماعی افغانستان بود. او در این حزب و حکومتی که به وسیله این حزب رهبری می شد نه تنها به جایگاه های بلندی دست یافت؛ بلکه از اندیشه پردازان آن نیز به شمار می آمد. این جا من در این نوشته به سیاست ها و ایدئولوژی حزب او و اندیشه پردازی های سیاسی او کاری ندارم، چون می دانم که این امر به بحث گسترده و جداگانه یی نیاز دارد، تنها این قدر می توان گفت: تاریخ بر بنیاد عمل کرد شخصیت های سیاسی، نظام های سیاسی، احزاب و گروه های سیاسی است که به دآوری بر می خیزد.

با این همه سليمان لايق برای من با شعر آغاز یافته است. او را از همان سال های جوانی که به دنبال شعر سرگردان بودم یعنی از نخستین سال های دهه پنجاه خورشیدی می شناسم. او برای من با این شعرها آغاز یافته که از سروده ها دهه پنجاه اوست:

اینک نمونه از شعر او از مجموعه بادبان نقل می شود .

بیا بیا که فضاگرد کاینات شویم  
که آرزوی بزرگ است و این جهان تنگ است  
سرم زشت حوادث فرو نمی آید  
سرمبارزه سرنیست، صخره سنگ است  
بادبان ص 41

صدای ناخدا پیچید درشب  
که هان ای رهروان بیدار باشید  
من از وضع فلک دانه که امشب  
نبردی می رسد هشیار باشید  
سرو دل در کف توفان گذارید  
تن و جان قدرت پیکار باشید  
که این امواج توفان زای آبی  
سرودی می نوازد انقلابی

بادبان ص 66

دوست دارم این وطن را  
دوست دارم سنگ او را کوه او را  
دوست دارم قلب خود را، خانه اندوه او را  
دوست دارم این وطن را  
خاک او را  
ابرهای مست و هیبت ناک او را  
رود های یابی و بی باک او را  
بر فراز کوهساران آسمان پاک او را  
دوست دارم این وطن را  
بادبان ص 178